دو فصلنامه علمی تخصصی
اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر
سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

مواجهه دفاعی قرآن‌پژوهان معاصر شیعی در ساحت‌های اصلی علوم قرآن

کامران اویسی[۱]

چکیده

باتوجه‌به لزوم انعکاسِ تحلیلی فعالیت‌های علمی قرآن‌پژوهان شیعی، **مسئله اصلی** پژوهش آن است که تلاش علمی آنان در دفاع از قرآن در حوزه دانش علوم قرآن در مقابل اخباریان، عامه، مستشرقان، روشنفکران معاصر دگراندیش، همچنین مخالفان دین‌ستیز، توصیف و تحلیل و بررسی شود. **روش** این پژوهش، توصیفی ـ تحلیلی، و با تأکید بر منبع شناخت است. گرچه دانشمندان امامیه، از عصر نزول قرآن، تلاش‌های فراوانی در دفاع از کیان مذهب حقه شیعه در مواجهه با دیدگاه رقیبان از مذاهب یا ادیان یا افکار دیگر انجام داده‌اند، اما این کوشش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران صدچندان شده و از فعالیت قرآن‌پژوهی کمرنگ، غیرمستمر و معمولاً فردی و با فراوانی نسبی کم، به یک حرکت علمی برجسته و جریانی مستمر و تشکیلاتی با فراوانی کمّی بالا مبدل نموده است. **یافته‌ها** نشان می‌دهد که می‌توان دفاع معاصران قرآن‌پژوهِ شیعه را به‌صورت ضمنی یا صریح، کلی یا جزئی، همراه با ذکر شبهه یا به شکل ابتدایی و دفع دخالت‌های پیش‌بینی‌شده، در حوزه علوم قرآنی ساماندهی کرد. بنابراین، این نوشتار با تمرکز بر شواهد متنوع، در پی نشان دادن واقعیتِ وجود یک جریان دفاعی گسترده در علوم قرآن است؛ جریانی که در عرصه‌هایی چون حفظ از تحریف، الهی بودن الفاظ، نبود تناقض، عدم تأثیرپذیری از فرهنگ زمان، جاودانگی قرآن، قلمرو قرآن، وحیانی بودن و منشأ آن، و وجوه اعجاز به طور مستمر حضور یافته است. در **نتیجه** هدف اصلی مقاله، اثبات عملی حضور این مواجهه دفاعی در ساحت‌های مختلف است؛ درعین‌حال، هریک از این مباحث، علاوه بر اثبات حضور در این نوشتار، می‌تواند به‌صورت مستقل نیز در تحقیقات آتی تفصیل یابد.

واژگان کلیدی: دفاع از قرآن، ساحت‌های علوم قرآن، شبهات قرآنی، علمای شیعه، قرآن‌پژوهان معاصر.

---

۱. دانشیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران؛ oveysi@maaref.ac.ir.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

۱. مقدمه

در تاریخ دانش شیعه، به سبب تهمت‌هایی که از سوی مخالفان بر این مذهب زده می‌شد، دانشمندان امامیه در تلاش بر خنثی نمودن این تهمت‌ها و دفاع از مذهب برمی‌آمدند. به‌عنوان‌نمونه، نجاشی، رجال‌شناس و فهرست‌نویس شیعی، انگیزه تألیف کتاب رجال خود را عدم پیشینه علمی و عدم وجود دانشمند صاحب تألیف در شیعه می‌داند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص۳).

این نوشتار سعی دارد تا از میان تلاش‌های علمی مذکور، آن بخشی را در چهارچوب این پژوهش منعکس نماید که به‌عنوان دفاع از قرآن در مقابله یا مواجهه با دیدگاه‌های رقیب است. مقصود از نظریه‌های رقیب، دیدگاه‌های مخالف با برداشت رسمی شیعه است که به‌صورت مشکک و با اختلاف در شدّت و رخوت، از سوی زندیقان و دین‌ناباوران، روشنفکران مُفرِط، برخی از اخباریان، اهل‌تسنن، غربیان و مستشرقان ذکر شده است. نویسنده این مقاله ادعا ندارد که تمام کوشش‌های علمی گفته‌شده را کشف و گزارش و تحلیل نماید؛ زیرا باتوجه به کیفیت و کمیت فعالیت‌های علمی قرآنی در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه و نشست و همایش و گستردگی آن، تصویرکشی این مسئله در قالب یک مقاله امکان ندارد.

غرض اصلی این پژوهش، اثبات و نشان دادن وجود جریان دفاعیِ گسترده در ساحت‌های مختلف علوم قرآنی است. بدین‌سان، مقاله حاضر کوششی تحلیلی در جهت صورت‌بندی پدیده مواجهه دفاعی، بر اساس گردآوری و تحلیل شواهد متعدد است. طبیعی است که هریک از این ساحت‌ها قابلیت تفصیل بیشتر در پژوهش‌های مستقل دارد؛ اما هدف این نوشتار، روشن کردن این واقعیت است که در همه شاخه‌های اصلی علوم قرآن، دفاع علمی به مثابه یک رویکرد پایدار، قابل ردیابی است.

همچنین شتاب علمی مربوط به موضوع مورد بحث، آن‌چنان است که چه‌بسا در حال نوشتن این سطور، چندین اثر و فعالیت علمی دفاع‌مآبانه از قرآن به ثمر نشسته باشد. به‌عنوان‌نمونه، آیت‌الله معرفت که نسبت به دیدگاه‌های دکتر ذهبی سنّی‌مذهب، موضع‌گیری و نظارت داشته است، در مقدمه کتاب خود اشاره دارد که چون ذهبی، تفاسیر شیعه را مشوب به بدعت دانسته و این دیدگاه متأثر از رجوع به منابع ضعیف، ندیدن بسیاری از تفاسیر دیگر، بغض نسبت به

برخی مذاهب اسلامی مانند شیعه امامیه است، کتابی نو در پاسخ یا ناظر به کتاب ذهبی تألیف نموده است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۸، ج۱، ص۴). همچنین ایشان به اشتباه و فرصت‌طلبیِ مستشرقان در زمینه افسانه غرانیق و مستمسک قرار دادن آن برای طعنه زدن به دین اسلام اشاره می‌کند (همان، ۱۴۱۵، ج۱، ص۸۷).

این پژوهش از منظر روش‌شناسی پژوهش، به‌عنوان یک مطالعه کتابخانه‌ای تعریف می‌شود. در این مطالعات، اطلاعات ازطریق فیش‌برداری از کتاب‌ها، مقالات، وب‌سایت‌ها و نرم‌افزارهای مرتبط جمع‌آوری، و پردازش داده‌ها به‌صورت توصیفی ـ تحلیلی انجام شده است. بدین‌صورت که پس از شناسایی زمینه‌های مواجهه دفاعی قرآن‌پژوهان معاصر شیعه در برابر نظریه‌های رقیب یا مخالف، همچنین ابعاد مختلفِ مواجهه، در قالب تقسیم‌بندی بر اساس زمینه‌های گوناگون شکل گرفته است. لازم به ذکر است که گاهی دو یا چند جریان رقیب، در یک نظریه یا شبهه نسبت به یکی از ساحت‌های قرآن اشتراک نظر پیدا می‌کنند. بنابراین، تقسیم‌بندی مواجهه‌ها بر اساس مهم‌ترین ساحت‌های علوم قرآن ـ به معنای عام‌تر آن شامل برخی از مباحث مبانی و روش‌های تفسیر و بعضی از مباحث تفسیری مرتبط با برخی شبهات ـ انجام شده است.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه مواجهه با دیدگاه‌های رقیب در اسلام را می‌توان در خود قرآن و سنت یافت. به‌عنوان‌مثال، زمانی که قرآن به شبهه به صلیب کشیده شدن مسیح علیه‌السلام اشاره می‌کند، از تعبیر «شُبِّهَ لَهُم» استفاده می‌نماید (نساء: ۱۵۷). همچنین امام علی علیه‌السلام به وجه تسمیه شبهه اشاره کرده‌اند و سبب آن را تشبیه باطل به حق در شبهه می‌دانند (رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۸، ص۸۱). اما درباره پیشینه پژوهشی، با عنوان مقاله حاضر، تاکنون تحقیقی صورت نپذیرفته است. درنهایت، یک مقاله با عنوان «دفاع دانشمندان شیعه از قرآن»، آن هم فقط در برابر شبهه اقتباس وجود دارد (ر.ک: رضایی اصفهانی و پروان، ۱۳۹۶، ص۶۵ـ۸۴). ازجمله مشهورترین کتاب‌ها در زمینه دفاع از قرآن شیعه، کتاب شبهات و ردود حول القرآن، تألیف آیت‌الله محمدهادی معرفت است. این کتاب دارای پنج باب است: شبهاتی در باب وحیانی بودن قرآن که آن را الهام‌گرفته از منابع زمینی و تعلیمات

محیط پیرامونی پیامبر و نداهای درونی وی می‌داند؛ شبهاتی در باب تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه و محیط جاهلی و آداب‌ورسوم عرب؛ وجود تهافت و تناقض در قرآن؛ وجود خطاهای تاریخی، ادبی و علمی؛ و شبهاتی در زمینه احتمال راهیابی تحریف به قرآن (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۳، ص۴ـ۵). قاعدتاً این کتاب بر محور دیدگاه‌های ایشان تألیف یافته و به همه دیدگاه‌های شیعه، به‌ویژه معاصران نپرداخته است. بنابراین ازاین‌جهت که پژوهش حاضر، به اهم مباحث علوم قرآن و با تمرکز بر معاصران شیعه پرداخته، این مقاله، بدیع است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کیفی و از حیث هدف، توصیفی ـ تحلیلی است و با رویکرد کتابخانه‌ای ـ اسنادی انجام شده است. داده‌ها از طریق گردآوری و فیش‌برداری هدفمند از آثار قرآن‌پژوهان معاصر شیعه، اعم از تفاسیر، کتب علوم قرآن، آثار کلامی مرتبط و مقالات علمی ـ پژوهشی به دست آمده است. واحد تحلیل در این پژوهش، نمونه‌های مواجهه دفاعی با شبهات و دیدگاه‌های رقیب در حوزه علوم قرآن است که به‌صورت صریح یا ضمنی در آثار یادشده بازتاب یافته‌اند. تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی ـ تحلیلی و با مقوله‌بندی مفهومی انجام شده و بر اساس آن، انواع مواجهه‌های دفاعی ذیل مهم‌ترین ساحت‌های علوم قرآن ـ به معنای عام، شامل برخی مباحث مبنایی و تفسیری مرتبط با شبهات قرآنی ـ سامان‌دهی و بررسی شده‌اند. هدف از این روش، نشان‌دادن الگوی کلی و قابل ردیابیِ مواجهه دفاعی در آثار معاصران، بدون ادعای احصای کامل مصادیق، بوده است.

۴. یافته‌ها و بحث

۱ ـ ۴. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث، سزاوار است تا واژگان مهم، مفهوم‌شناسی شوند.

۱ ـ ۱ ـ ۴. دفاع

دفاع در لغت به معنای دور نمودن و منع کردن چیزی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۴۵) که در این معنا با «عن» متعدّی شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۳۱۶). دفاع، طبق قول مفسران، ذیل آیه ۳۸

سوره حج، می‌تواند قهری و کمک گرفتن از نیروی جسمی و یا با اقامه دلیل باشد (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۸، ج۷، ص۳۲۰). اقامه دلیل، در دفاع از دین به کار می‌رود (ر.ک: حج: ۴۰؛ انبیاء: ۶۲ـ۶۴ و کهف: ۱۴ـ۱۵). بنابراین، دفاع شیعه از قرآن، یعنی اقامه دلیل دانشمندان امامیه در مواجهه با نظریات رقیب یا ردّ شبهات مخالفان که نسبت به قرآن ایراد نموده‌اند.

۲ـ۱ـ۴. مواجهه

مواجهه از باب مفاعله و ماده وجه به معنای ملاقات کردن و مقابل و صورت به صورت هم قرار گرفتن است (ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج۴، ص۳۹۸). در این نوشتار نیز به همین معنا توجه شده است؛ به‌گونه‌ای که نوع روشنگری، تبیین و دفاع در تقابل با جریان‌های فکری رقیب در زمینه تفسیر و علوم قرآن، از سوی قرآن‌پژوهان معاصر امامی‌مذهب موردبررسی قرار می‌گیرد. مواجهه به معنای انتخاب روش مناسب برای پاسخ‌گویی به شبهات جریان رقیب و یا تبیین بیشتر یک نکته به‌منظور روشنگری برای مخاطب درون‌مذهب است؛ به‌طوری‌که از انتشار کج‌فهمی یا بدفهمی جریانات فکری رقیب جلوگیری شود.

این نکته قابل ذکر است که غالب دانشمندان شیعه، در نگارش آثار خود در زمینه تفسیر یا علوم قرآن، سعی دارند نظریه‌های رقیب و مخالف را بدون ذکر صریح آنها پیش ببرند. این رفتار ممکن است ناشی از ملاحظات اخلاقی در ذکر معایب یک دیدگاه یا احتیاط در عدم کمک به شهرت جریانی خاص باشد که حقیقتاً یا ظاهراً دچار خطا یا انحراف شده است، یا تمسک به این ضرب‌المثل که «**خالِف تُشهَر**» به معنای «مخالفت کن تا مشهور شوی» (ر.ک: دهخدا، ۱۳۸۳، ج۱، ص۳۸۹) یا از باب «**الباطل یموت بترک ذکره**» (ر.ک: اصفهانی، ۱۳۹۴، ج۱، ص۵۵) تلاش دارند تا نامی از جریان رقیب به سر زبان‌ها نیفتد. گرچه گاهی ضرورت ایجاب می‌کند که نام آن جریان یا دیدگاه افشا شود تا هشداری برای مؤمنان در عدم گرایش به آنان باشد.

۳ـ۱ـ۴. شبهات

شبهات جمع مکسر شبهه از ماده شبه به معنای اعتقادی است که با حق شباهت دارد؛ اما حق نیست و به سبب التباس حق و باطل، به حق شباهت پیدا کرده است (فیومی، ۱۴۱۴، ج۱، ص۳۰۴).

شبهه، در اصطلاح نیز همان معنای لغوی را دارد. برخی آن را به این صورت تعریف کرده‌اند: شبهه به معنای هر اشکال، پرسش یا ابهامی است که در برداشت‌ها، تحلیل‌ها، تصمیمات و رفتارهای مرتبط با سعادت فرد یا جامعه، موجب خطا و اشتباه در شناخت حق از باطل می‌شود (ر.ک: بهمنی، ۱۳۹۴، ص۳۳).

۲ـ۴. مواجهه در مهم‌ترین شاخه‌های دانش علوم قرآن

در ادامه، به بررسی فعالیت‌های پژوهشی و علمی قرآن‌پژوهان معاصر شیعه، به‌ویژه بر اساس نوع مواجهه این پژوهشگران با نظریه‌های رقیب در زمینه مهم‌ترین مباحث علوم قرآن، ازجمله وحی، تحریف، مصادر قرآن، اعجاز، قلمرو قرآن و جاودانگی قرآن پرداخته می‌شود.

۱ـ۲ـ۴. سلامت از تحریف

تحریف به‌طورکلی به معنای دگرگون‌سازی و وارونه ساختن، دارای مصادیق گوناگونی است (ر.ک: خویی، ۱۴۱۳، ص۱۹۷ـ۱۹۸). در این بحث، دو مصداق اصلی بررسی می‌شود: تحریف قرآن به مثابه کاستی، و تحریف قرآن به مثابه فزونی. تحریف به فزونی، نظریه‌ای است که در میان عالمان اسلامی پذیرفته نشده و بر نفی آن اجماع وجود دارد. اما درباره تحریف به مثابه کاستی، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد (ر.ک: همان، ص۲۰۰ و مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ص۳۵۶).

نظر غالب و مشهور در میان شیعه، عدم تحریف قرآن است و چنان‌که شیخ صدوق تصریح کرده، نسبت دادن دیدگاه تحریف به نقصان به شیعه، نشانه‌ای بر دروغ‌گویی فرد انتساب‌دهنده است (صدوق، ۱۴۱۲، ص۵۹). این دیدگاه به‌عنوان اصل اساسی از سوی بزرگان علما و مفسران شیعه ادامه یافته است (ر.ک، مفید، ۱۴۱۴، ج۴، ص۸۱).

از زمان تألیف و انتشار کتاب جنجال برانگیز فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب میرزا حسین نوری طبرسی (م۱۳۳۰ق)، هجمه‌های سنگینی بر پیکره تفکر قرآنی شیعه، از سوی مخالفان، به‌ویژه‌اهل تسنن وارد گشت و دیدگاه شاذ و شخصی او را به‌سان دیدگاه تمام شیعه دانستند و بسیار بر مذهب شیعه تاختند. علمای شیعه، به‌ویژه قرآن‌پژوهان معاصر، در برابر تهمت تحریف قرآن، دست از کوشش نکشیده و آثار قابل‌توجهی در این زمینه تألیف کرده‌اند

(ر.ک: حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۲؛ جعفریان، ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲؛ حسینی میلانی، ۱۴۲۶؛ عسکری، ۱۴۱۶؛ نجارزادگان، ۱۳۸۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳ و معرفت، ۱۴۱۰).

این آثار نشان‌دهنده دو سطح مختلف مواجهه هستند: یکی مقابله با خطای راهبردی محدث نوری که نگاهی اخباری به تحریف قرآن دارد و دیگری دفاع در برابر تهمت‌های مخالفان شیعه، به‌ویژه اهل‌تسنن. علاوه بر این، قرآن‌پژوهان معاصر به دفاع از دین اسلام به‌طورکلی و مذهب شیعه به طور خاص در برابر اتهام‌های مستشرقان پرداخته‌اند. این اتهام‌ها معمولاً به‌صورت مستقیم بیان نمی‌شوند و بیشتر در قالب شبهاتی مانند چگونگی جمع و تدوین قرآن و اختلاف قرائت به‌عنوان عوامل تحریف مطرح می‌شوند (ر.ک: گلدزیهر، ۱۹۲۱، ص۲۹۴ـ۲۹۵). نظریه‌های مربوط به تبدیل و تجدید نظر در قرآن به خواست پیامبر اکرم ﷺ نیز از همین شبهات نشئت می‌گیرند. قرآن‌پژوهان معاصر شیعه، به این موضوعات از جنبه‌های تاریخی و روایی پاسخ داده‌اند، چه در آثار خود و چه در مقالات مستقل (ر.ک: حدادیان و مؤدب، ۱۳۹۱، ص۱۴۱ـ ۱۶۶ و اویسی و مودب، ۱۳۹۱، ص۲۷۹ـ۳۰۳).

۲ـ ۲ـ ۴. الهی بودن الفاظ

این شبهه بیان می‌کند خدا وحی را بر قلب و ضمیر پیامبر نازل می‌کند و پیامبر با زبان خودش آن طور که مناسب می‌بیند، پیام خداوند را به مردم ابلاغ می‌نماید. این دیدگاه از قدیم در کتب علوم قرآنی چنین مطرح شده که خداوند معنا را بر جبرئیل یا پیامبر ﷺ وحی کرده است و سپس یکی از ایشان، بر آن حقایق و معانی، لباس الفاظ پوشانده‌اند (ر.ک: شاکر، ۱۳۸۶، ص۶۰ و قائمی‌نیا، ۱۳۸۱، ص۷۶ـ۷۷). این شبهه به درجه و شدّت‌های مختلفی بیان شده که غالباً از حالت کمرنگ آن به‌صورت تجربه دینی تا رؤیای رسولانه، از سوی عبدالکریم سروش مطرح گردیده است (ر.ک: سروش، ۱۳۸۵، ص۵ـ ۱۹ و همان، مجموعه مقالات، drsoroush.com).

دیدگاه مقبول و مشهور در میان اندیشمندان شیعی، الهی بودن الفاظ قرآن است؛ چنان‌که علامه طباطبایی و جوادی آملی به آن اشاره کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱۵، ص۳۱۷ و جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص۴۸). آیت‌الله معرفت معتقد است این شبهه از آنجا نشئت گرفته که در آیه ﴿فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ...﴾ (بقره: ۹۷) و نیز آیه ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ...﴾ (شعراء: ۱۹۳ـ۱۹۴) آمده که قرآن بر قلب

پیامبر ـ که جایگاه ادراک درونی است ـ فرود آمده است (معرفت، ۱۳۸۱، ص۵۷).

پاسخ‌گویی علمای معاصر شیعه به شبهه مذکور، به چندین شکل، صورت گرفته است. به‌عنوان‌مثال، گاهی با مقایسه اوضاع فرهنگی عرب در عصر نزول با سطح ادبیات و فرهنگ قرآن، و همچنین با در نظر گرفتن امی بودن پیامبر، به مسئله تحدی و وجود انسجام و عدم اختلاف در قرآن، باتوجه‌به نزول تدریجی، پاسخ داده‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۷۷؛ فانی اصفهانی، ۱۴۱۱، ص۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۹، ص۴۳۲ و معرفت، ۱۳۸۱، ص۵۷). گاهی نیز در فرایند تفسیر آیات، به دفاع در مقابل این شبهه پرداخته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱۵، ص۴۱۸).

برخی نیز با اختصاص بیشتری در کتب علوم قرآنی خود درصدد پاسخ‌گویی برآمده‌اند. آیت‌الله معرفت در اثبات الهی بودن قرآن، به تأثیر اعجاب‌انگیز قرآن بر روح انسان‌ها، حتی مشرکان ادیب عرب در زمان نزول تمسک می‌کند (معرفت، ۱۴۱۵، ج۴، ص۱۹۱ـ۱۹۶). پاسخ به شبهه مورد بحث به‌صورت تفصیلی، بیشتر در میان علمای معاصر شیعه نسبت به دانشمندان اهل‌تسنن دیده می‌شود. مثلاً آیت‌الله میرمحمدی زرندی ذیل بحث «**هل للقرآن معنی و لفظا و ترتیبا منه تعالی؟**» از سه دسته آیات پنج و شش تایی و نیز چهار روایت از منابع سنی و شیعه و نیز چهار مؤید استفاده نموده که اکثر آنها برای اثبات الهی بودن لفظ و معنای قرآن به کار برده شده است (ر.ک: میرمحمدی زرندی، ۱۴۲۰، ص۸۵ـ۸۸).

۳ ـ ۲ ـ ۴. عدم رهیافت تناقض

دانشمندان شیعه در اثبات عدم رهیافت تناقض به قرآن، وجوه گوناگونی آورده‌اند. این در حالی است که یکی از علوم مربوط به قرآن «**علم معرفة مشکل القرآن و موهم الاختلاف و التناقض**» دانسته شده است (آل‌قیس، بی‌تا، ص۴۰). این نوع از مواجهه، حتی در سیره معصومان علیهم‌السلام نیز وجود داشته است؛ مانند اینکه مردی خدمت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام آمد و عرض کرد که در کتاب خدا به سبب برخی تناقضات ادعایی‌اش شک کرده است؛ مثل تناقض آیه ﴿فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا...﴾ (اعراف: ۵۱) با آیه ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾ (مریم: ۶۴) که یک‌بار خبر می‌دهد خدا فراموش می‌کند و بار دیگر می‌گوید خدا فراموش نمی‌کند. امیر المؤمنین علی علیه‌السلام پاسخ می‌گوید: مقصود از نسیان و فراموشی در آیه اول، یعنی ایشان را ثواب ندهد و آیه دوم، یعنی پروردگار ما

کسی نیست که فراموش کند. گاهی عرب در باب نسیان می‌گویند: «قد نسینا فلان فلا یذکرنا»؛ یعنی فلانی ما را فراموش کرده است و ما را یاد نمی‌کند؛ بدین معنا که ما را به خوبی فرمان نمی‌دهد (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۸، ص۲۵۴_۲۶۹). حتی برخی از مسلمانان متقدم مانند یعقوب‌بن‌إسحاق کندی، فیلسوف عرب، نیز تلاش داشتند کتابی درباره تناقضات قرآن بنویسند که امام یازدهم علیه‌السلام پاسخ وی را داد و با این جواب، او از ادامه کار منصرف شد (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج۴، ص۴۲۴).

دفاع از قرآن در برابر شبهه وجود تناقض و اختلاف از سوی علمای متأخر شیعه، به‌صورت نظری و با بررسی مبانی ادبی، زبانی و کلامی در علوم قرآن و همچنین عملی در تفسیر آیات صورت می‌گیرد. آنان گاهی به ریشه اشتباه در ادعای تناقض قرآن اشاره می‌کنند و این گونه تناقض‌ها را بدوی و ابتدایی و غیرمستقر می‌دانند.

علامه طباطبایی عدم تناقض در قرآن را به‌عنوان یکی از ابعاد اعجاز قرآن می‌داند و تأکید می‌کند که اشکال‌ها و تناقض‌های مطرح‌شده در کتاب‌های تفسیر پاسخ داده شده است و دلیلی بر تناقض قرآن نیست. برخی آیات، مفسر یکدیگر و شامل عام و خاص هستند. به‌عنوان‌مثال، اگر کسی وجود نسخ در آیات را نوعی تناقض بداند، پاسخ این است که نسخ نه از سنخ تناقض‌گویی است و نه تفاوت نظر؛ بلکه ناشی از اختلاف در مصداق است؛ به این معنا که یک مصداق ممکن است در شرایط خاص حکمی داشته باشد و با تغییر شرایط، حکم آن نیز تغییر می‌کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۶۶). آیت‌الله معرفت نیز می‌نویسد: اختلافی که از قرآن نفی شده است، اختلاف حقیقی در ظرف عالم واقع است. اما اختلاف شکلی و ظاهری ـ مثل ناسخ و منسوخ ـ تناقض نیست. مثلاً در اختلاف و تناقض حقیقی شرط است که ازنظر زمانی و ملاک و شرط بین دو آیه وحدت باشد؛ اگر چنین نبود، اختلاف و تنافی هم نیست (معرفت، ۱۴۱۵، ج۲، ص۲۹۶).

یکی از پژوهشگران معاصر، تفصیل بیشتری در یک پاسخ جامع‌تر به شبهه وجود تناقض در قرآن داده است. او می‌نویسد که تعارض بر دو قسم است: تعارض ابتدایی و ظاهری (غیرمستقر) که میان آیات با یکدیگر، آیه با حدیث، آیه با حکم قطعی عقل، و آیه با علم قطعی به وجود می‌آیند. تعارض حقیقی و باطنی (مستقر) که میان آیات با روایات، آیه با حکم ظنی عقل و آیه با علم ظنی پیش می‌آید. تعارض حقیقی در سخن خدا معنا ندارد؛ بنابراین آنچه گاهی از تعارض

در آیات ادعا می‌شود، تعارضی ابتدایی و ظاهری است که از ظواهر دو دسته آیات ناشی می‌شود که میان آنها قابلیت جمع عرفی وجود دارد؛ مثل تعارض بین آیات محکم و متشابه، مطلق و مقیّد، عام و خاص، مجمل و مبیّن، ناسخ و منسوخ، حاکم و محکوم، و وارد و مورود (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱، ص۳۱۲_۳۱۳). غالباً قرآن‌پژوهان شیعه معاصر، بحث عدم تناقض و اختلاف را در بحث اعجاز قرآن مطرح کرده‌اند. به‌عنوان‌نمونه، اسکندرلو بحث شبهه اختلاف و تناقض در قرآن را ازطریق درون‌قرآنی با تمسک به آیه ۸۲ سوره نساء، روایت امیرالمؤمنین علی ﷺ بر نشانه جهل مدعی تناقض و کم‌اطلاعی او و درنتیجه، اثبات عدم اختلاف و بلکه سازگاری تمام عیار آیات قرآن، آن را از وجوه اعجاز می‌داند (اسکندرلو، ۱۳۹۰، ص۲۳۷).

در برخی کتب علوم قرآنی نیز بررسی مصداقی تناقض دیده می‌شود. به‌عنوان‌نمونه، آیت‌الله معرفت بحثی مطرح می‌کند که در آیه‌ای آمده است: ﴿وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ که نشان از وجوب سؤال در قیامت دارد؛ اما در جای دیگر می‌فرماید: ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ﴾ که دلالت بر نفی سؤال در قیامت دارد. ظاهر این دو آیه، دالّ بر تناقض و اختلاف دارد. اما جواب این است که آنچه به‌عنوان سؤال در قیامت وجوب پیدا کرده، مربوط به منزل‌های بعد از قیامت است که از حساب فارغ شده‌اند و سؤالی که در قیامت نفی گردیده، مربوط به زمانی است که قیامت در حال وقوع است و هیچ‌کس جرئت پرسیدن چیزی از دیگری ندارد (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵، ج۷، ص۲۸۲_۲۸۳).

۴ ـ ۲ ـ ۴. عدم انفعال در مقابل فرهنگ زمانه

مراد از فرهنگ زمانه، موضع‌گیری‌های فکری و هنری و آداب و سنن و رسوم اجتماعی و خرافات و مطالب باطل و شرک‌آلود است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج۱، ص۱۵۱_ ۱۵۲). قرآن با فرهنگ غلط زمان جاهلیت مقابله نموده است؛ مانند مذمت زنده‌به‌گور کردن دختران (تکویر: ۸). روایاتی نیز درباره مواجهه قرآن با فرهنگ زمانه به‌صورت غیرمنفعل و بلکه مؤثّر موجود است (ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج۱، ص۱۸۶_۱۸۷). اما برخی از جریان‌های روشنفکری درون‌شیعی متأثر از غربیان، معتقدند نه فقط زبان اسلام که فرهنگ آن هم عربی است و لذا نه فقط زبان اسلام که فرهنگ آن هم عَرَضی است. اینکه قرآن نشان از حوران سیه‌چشم و نه زنان چشم‌آبی در بهشت می‌دهد و اینکه آنان را در خیمه‌ها ساکن می‌بیند و اینکه به ناظران توصیه می‌کند تا به شتر و خلقت آن بنگرند، همه

نشان می‌دهد که چگونه رنگ و بوی ذوق و ظرافت و خلق و خشونت عربی، هسته مرکزی اندیشه اسلامی را چون قشری ستبر فرا گرفته است (سروش، ۱۳۸۵، ص۵۵ـ۵۶). چنین دیدگاهی، در کتب مستقلی به نقد کشیده شده است؛ مانند اثر سیدمحمدعلی ایازی با عنوان قرآن و فرهنگ زمانه که نقدی است بر نظریه بازتاب فرهنگ عصر نزول بر قرآن کریم. گرچه وی معتقد است باتوجه‌به شرایط زمانی و مکانی شبه‌جزیره عربستان و عصر نزول قرآن، سخن گفتن، کار حکیمانه‌ای است که متناسب با مخاطبان اولیه قران انجام گرفت. او دو نظر دیگر یعنی بازتاب فرهنگ زمانه بودن و نیز متأثر از فرهنگ زمانه بودن را نمی‌پذیرد (ر.ک: ایازی، ۱۳۸۰، ص۱۸۰ـ۱۸۲).

مفسران معاصر شیعه، در لابه‌لای تفسیر آیات، به تبیین مواجهه قرآن با فرهنگ عصر نزول یا جاهلی پرداخته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۴، ص۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲۲، ص۹۷ و صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۲۸، ص۲۰۲). برخی نیز به حقانیت قرآن (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱۰، ص۹) و گاهی با تأکید بر عدم وجود خرافه (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۱۶، ص۳۱۵) و گاهی با ردّ داستان‌های خرافی مانند غرانیق (سبحانی، ۱۴۲۱، ج۷، ص۱۹۰ـ۲۰۰) و نقد دختر خدا بودن فرشتگان باتوجه‌به تالی فاسد آن، یعنی قول به جزئِیت فرشتگان نسبت به خدا و مرکّب بودن الله (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲۱، ص۲۶) و تشریع اذان به‌وسیله خواب یکی از صحابه (ملکی میانجی، ۱۴۰۰، ص ۲۰۴) در آن با توجه دادن به حق و واقع‌نماییِ قرآن و دوری از خرافه و فرهنگ جاهلی پرداخته‌اند. حتی علامه طباطبایی بحثی را با نام «التقلید و اتباع الخرافة» در چهار صفحه به قلم کشیده و در آن بر عدم وجود خرافه در قرآن تأکید داشته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۴۲۱ـ۴۲۴). آیت‌الله معرفت باب دوم از کتاب خود ـ در حدود ۱۳۰ صفحه ـ را با عنوان «القرآن و ثقافات عصره! هل تأثّر القرآن بثقافات کانت ساطیة علی البیئة العربیّة آنذاك؟» به این قضیه اختصاص داده است (معرفت، ۱۴۲۳، ص۱۱۰ـ۲۴۲).

مقاله‌های فراوانی نیز در این باره تدوین یافته است. مانند «مبانی برخورد قرآن با فرهنگ زمانه» که حقانیت، هدایتگری، همراهی با علم، اعجاز و تحدی، انسجام با فطرت، وحی الهی بودن، حقیقی و نه مجازی بودن استناد الفاظ قرآن به خدا، عدم تأثیر امی بودن پیامبر بر محتوای قرآن، و امانت و صداقت حامل وحی، ازجمله این مبانی است که غالباً ناظر به نقد دیدگاه عبدالکریم سروش است (اسدی‌نسب، ۱۳۸۸، ص۱۴۷ـ۱۶۸).

۵ـ ۲ـ ۴. جاودانگی قرآن

از برخی آیات قرآن، مانند ۱۸۵ سوره بقره و ۴۲ سوره فصلت، بنا بر دیدگاه برخی از مفسران (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۲، ص۲۳ و ج۱۷، ص۳۹۸) و نیز روایات (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴، ج۱، ص۱۹۶) می‌توان برای جاودانگی قرآن استدلال نمود. بااین‌حال این شبهه مطرح شده است که قرآن، یک متن مقدس تاریخمند است که برخی آموزه‌های آن، برای همه زمان‌ها و مکان‌ها نخواهد بود (ابوزید، ۱۹۹۴، ص۲۰۹ـ ۲۱۵ و سروش، ۱۳۸۵، ص۲۰ـ۳۷). همچنین بعضی نظریه عرفی بودن زبان قرآن به معنای زبان عرب عصر نزول بودن را القا کرده‌اند (شاطبی، ۱۳۴۱، ج۲، ص۵۳).

بنابراین ممکن است که دانشمندان معاصر شیعه مستقیماً در پاسخ به شبهه‌های گفته‌شده بر نیامده باشند، اما عملاً با کوشش در اثبات جاودانگی قرآن، از قرآن در مقابل دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و شبهات برخلاف جاودانگی قرآن در خلال بحث‌های تفسیری یا علوم قرآنی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۶۲ـ۶۳ و ج۲، ص۱۷۲؛ سبحانی، ۱۴۲۱، ج۳، ص۱۱ـ۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۱۲۵ـ۱۳۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج۲، ص۲۷۳ـ۲۸۶؛ معرفت، ۱۳۸۷، ج۲، ص۳۷۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص۳۳۳ و سعیدی روشن، ۱۳۷۹، ص۹۹) دفاع نموده‌اند. نیز کتاب خاتمیت از دیدگاه قرآن و سنت و شبهات مربوط به آن، دربردارنده پاسخ برخی از شبهات وارده از طرف «بهاییت» در این زمینه و به‌عنوان مقدمه در اثبات جاودانگی قرآن است (ر.ک: آشتیانی و امامی، ۱۳۸۸، ص۳۵ـ۷۸).

برخی به جامعیت و جاودانگی قرآن توأمان پرداخته و برای اثبات جاودانگی، به آیاتی که نشان‌دهنده خطاب عمومی قرآن برای همه بشریت در همه زمان‌ها و مکان‌هاست، تمسک نموده‌اند؛ مانند ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...﴾ (اعراف: ۱۵۸) (مؤدب، ۱۳۸۶، ص۲۸۵ـ۲۸۶).

نگاه کلی قرآن‌پژوهان معاصر نسبت به جاودانگی قرآن، هم اثباتی است و هم به طور ضمنی به دفع اشکالاتی که از سوی مخالفان مطرح شده است، می‌پردازد. گاهی برخی از معاصران تلاش کرده‌اند تا رویکرد منظومه‌واری از دیدگاه قرآن‌پژوهی چون علامه طباطبایی را درباره جاودانگی قرآن در مقابل نظر سروش، با استناد به آیات و روایات، ارائه دهند (علیانسب و امیری، ۱۳۹۳، ص۱۰۵ـ۱۳۱).

۶ـ۲ـ۴. قلمرو قرآن

قلمرو قرآن، یعنی میدان نقش‌آفرینی آن در زندگی که بیشتر و پیشتر حول آیه ۸۹ سوره نحل بحث شده است. برخی از معارضان، شبهه نموده‌اند که اعتقاد به پاسخ‌گویی همه جانبه قرآن و اسلام به همه نیازهای بشر، یک فاجعه بزرگ و عامل عقب‌افتادگی مسلمانان و محرومیت آنان از دانش بشری است (سها، ۱۳۹۳، ص۵۴۳ـ۵۴۵). نیز برخی متأثر از غرب مسیحی که در تعارض میان علم و دین، قلمرو گزاره‌های دینی خود را محدود کردند (ژیلسون، ۱۳۷۸، ص۶۱ـ۶۲)، آن را به قرآن سرایت داده‌اند (کریمی، ۱۳۸۷، ص۱۰۳). گاهی نیز شبهه حداکثری بودن قلمرو قرآن به معنای افراطی آن، از جانب برخی مفسران و قرآن‌پژوهان مسلمان مطرح گردیده است (ر.ک: غزالی، ۱۴۰۲، ج۱، ص۲۸۹).

درباره قلمرو قرآن، بیشتر در تفسیر آیه ۸۹ سوره نحل بحث شده است و برخی از مفسران ـ بدون اینکه درصدد پاسخ به شبهه‌ای در این باره باشند ـ به این سؤال مقدّر که قلمرو قرآن تا کجا و در چه موضوعاتی است، پاسخ داده‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱۲، ص۳۲۴ـ۳۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۱، ص۳۶۱ـ۳۶۴ و صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۱۶، ص۴۴۸ـ۴۵۲).

برخی از قرآن‌پژوهان معاصر شیعه، با لحاظ شبهات مربوط به قلمرو قرآن، مطلب نوشته‌اند. مانند فصل سوم کتاب جامعیت قرآن با عنوان «قلمرو دین و جامعیت» در بیش از پنجاه صفحه (ایازی، ۱۳۸۰، ص۵۷ـ۱۱۲). برخی در جهت بیان معیار قرآنی بودن یک موضوع (یزدی، ۱۳۹۶، ص۲۵ـ۹۲) و بعضی دلایل قرآن بر قلمرو اجتماعی و نقدی بر برداشت سکولارها از قرآن، به دفاع از قرآن در این ساحت پرداخته‌اند (اسدی‌نسب، ۱۳۸۶، ص۷۷ـ۲۸۰). در برخی از مقاله‌ها نیز دفاع از نظریه محققان شیعه در مقابل شبهه حداقلی و حداکثری بودن قلمرو قرآن تقریر شده است (کریم‌پور قراملکی، ۱۳۸۲، ص۲۴۷ـ۲۹۵).

از مفصّل‌ترین کتب مربوط به قلمرو قرآن که هم ابعاد آن را بررسی نموده و هم شبهات را به حدّ مستوفا پاسخ داده است، کتاب جامعیت قرآن کریم: پژوهشی در قلمرو قرآن، اثر مصطفی کریمی است که به مباحثی همچون ارتباط بین علم پیامبر، دلایل قرآنی، و جامعیت تام قرآن می‌پردازد تا قلمرو قرآن از حیث موضوع مشخص شود. همچنین در فصل دهم به نقد و بررسی دیدگاه‌های دیگر پرداخته است (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۰).

گاهی نیز بحث قلمرو قرآن به شکل عام در قلمرو اسلام و یا مباحث علوم انسانی اسلامی دیده می‌شود که اشاره به این نوع از مواجهه نیز قابل‌توجه است. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در کتاب خود، به‌صورت کلی به قلمرو دین باتوجه‌به نیازهای اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی انسان و توجه به فواید دین، بعثت انبیا و وحیانی بودن قرآن و بحث از منابع دینی دیگر، همچون عقل پرداخته است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۴). نظریه و مواجهه ایشان با دیدگاه‌های رقیب درباره علم دینی که پایه و اساس آن مبتنی بر قلمرو دین و به‌ویژه قرآن است، آن‌چنان مهم بوده و قابلیت طرح در مجامع علمی داشته است که در «همایش نظریه علم دینی و کاربست آن در آموزش‌وپرورش» که در سال ۱۳۹۸ش برگزار گردید، محور این کنفرانس قرار گرفته و کتب و مقاله‌های متعددی نیز ارائه شده است. حتی پایان‌نامه سطح سه با عنوان «مقایسه دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و دیدگاه اجمالیون در مورد علم و دین» نیز در این زمینه دفاع گردیده است که در آن، نظریه اجمالیون، با محوریت ضیاءالدین سردار، اندیشمند پاکستانی، که قائل به حداقلی بودن کارکرد و قلمرو دین، ازجمله قرآن، در موضوعات بشری است، با دیدگاه حداکثری آیت‌الله جوادی‌آملی مقایسه شده است.

۷ ـ ۲ ـ ۴. وحیانی بودن قرآن و مصدر آن

یکی از شبهاتی که از زمان نزول قرآن طرح شده، درباره مصدر الهی قرآن است که مشرکان آن را ارسال‌شده از ناحیه خدا نمی‌دانند: ﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ﴾ (نحل: ۱۰۳). براین‌اساس، علمای شیعه به دفاع در برابر این شبهه پرداخته‌اند؛ چراکه در عصر حاضر، القای این شبهه قدیمی، بازتاب بیشتری از سوی مستشرقان و یا مخالفان اسلام یا دین یافته است. از آن میان، یوسف درّه حداد، کشیش لبنانی، در بخشی از کتاب هشت جلدی خود با عنوان دروسٌ قرآنیه، این شبهه را بدین صورت القا نموده که قسمتی از قرآن وحیانی است، اما بخشی از آن به‌صورت عام از «الکتاب الامام» (تورات) و به‌صورت خاص «الکتاب المنیر» (انجیل) است (ر.ک: همامی و شایسته‌فرد، ۱۳۹۵، ص۲۵ـ۴۰).

پاسخ به این شبهه توسط علمای شیعه غالباً در کتب تفسیر درج شده است. به‌عنوان‌مثال، علامه طباطبایی در ذیل این آیه، شبهه را ابتدا تحلیل کرده است و سپس پاسخ مفصلی ارائه

می‌دهد. او منشأ این افترا را وجود مردی غیرعرب می‌داند که به زبان عربی فصیح آشنا بوده و معارف ادیان و احادیث انبیا را هم می‌دانسته است. برخی ممکن است ادعا کنند که رسول خدا ﷺ از او تعلیم گرفته است و ازاین‌رو، وحیانی بودن قرآن از سوی محمد ﷺ صحیح نیست. علامه اشاره می‌کند که قرآن به‌اختصار به این شبهه پاسخ داده است. در کیفیت پاسخ‌گویی، وی می‌گوید که صرف اشاره به غیرعرب بودن آن مرد، اشکال را به طور کامل رد نمی‌کند؛ چراکه ممکن است گفته شود او از آن مرد آموخته و سپس آموخته‌های خود را به زبان عربی فصیح بیان کرده است. علامه خاطرنشان می‌کند که ناهمخوانی در بیان این شبهه به ذهن می‌رسد؛ زیرا مشرکان می‌گفتند: «مردی عجم به او یاد می‌دهد» و قرآن نگفته است که آن مرد عجم، عبارات را به او تلقین می‌کند؛ بلکه تعلیم مربوط به معانی است نه الفاظ. بنا بر نظر علامه، گزاره ﴿لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ﴾ برای پاسخ به این شبهه کافی نیست و باید مجموع سه آیه را با هم لحاظ نمود و بدین شکل پاسخ داد که:

الف) اگر مقصود شما از تعلیم، تلقین الفاظ است و قرآن کریم کلام آن مرد است، نه کلام خدا؛ پاسخ این است که آن مرد، غیرعرب است و قرآن به زبان عربی مبین نازل شده است.

ب) اگر منظور شما این است که آن مرد، معانی و معارف قرآنی را به رسول خدا ﷺ یاد می‌دهد و الفاظ از پیامبر است؛ پاسخ این است که قرآن شامل معارف حقیقی است که هیچ صاحب عقلی در واقعی بودن آن شک ندارد و تمامی عقل‌ها در قبول آن مجبورند. اگر رسول خدا ﷺ این معارف را از بشری دریافت کرده بود، خود به آنها ایمان نمی‌داشت؛ حال آنکه پیامبر به آیات خدا ایمان دارد و اگر ایمان نمی‌داشت، خدا او را هدایت نمی‌کرد؛ زیرا خدا کسی را که به آیاتش ایمان ندارد، هدایت نخواهد کرد. بنابراین، چون رسول خدا مؤمن به آیات خداست، به خدا افترا نمی‌زند و این قرآن از بشری گرفته نشده، بلکه منسوب به خداوند سبحان است. این پاسخ از آیه ۱۰۴ سوره نحل به دست می‌آید (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱۲، ص۳۴۷_۳۴۹).

آیت‌الله قرشی، در تفسیر خود در ذیل آیه ۱۰۳ سوره نحل، باتوجه‌به شأن نزول آیه پاسخ می‌دهد: از ابن‌عباس نقل شده است که در مکه، آهنگری نصرانی به نام «بلعام» بود که قریش می‌گفتند پیامبر قرآن را از او یاد می‌گیرد. همچنین از قتاده و مجاهد نقل شده که او نصرانی به نام

«یعیش» یا «عائش» و غلام بنی‌حضرمی بوده است. برخی می‌گویند دو غلام نصرانی به نام‌های یسار و خیر نیز بودند که کتابی به زبان خود داشتند و پیامبر گاهی آنها را می‌دید و به قرائتشان گوش می‌داد. مشرکان مدعی بودند قرآن را از آنها می‌آموزد. آیه به این شایعه پاسخ می‌دهد و دو پاسخ ارائه می‌کند: اول اینکه زبان آن شخص، غیرفصیح است؛ لذا چگونه می‌تواند این کلام فصیح و واضح را بیاورد؟ دوم اینکه اگر بگویند آن غلام فقط معانی را به پیامبر تلقین می‌کند و سپس حضرت آنها را در قالب الفاظ قرآن بیان می‌کند، پاسخ در آیه بعدی آمده که اگر چنین بود، خداوند نمی‌گذارد پیامبر، دروغ دیگران را به خدا نسبت دهد و در قالب الفاظ اعجاز بیان کند (قرشی، ۱۳۷۰، ج۵، ص۵۰۵).

برخی از مفسران شیعه در ذیل آیه ششم سوره فرقان به این شبهه پاسخ گفته‌اند: ﴿قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (فرقان: ۶). ازجمله علامه طباطبایی نوشته است: اولاً این آیه بر آن است که در قرآن مطالبی وجود دارد که عقول بشر بدان نمی‌رسد و درنتیجه، آوردن چنین کتابی، کاری بشری نیست. ثانیاً قرآن در این آیه تهدید کرده است که چنین افتراهایی، نتیجه‌ای جز مجازات الهی ندارد. بنابراین علامه از یک‌سو مقدمه‌ای عقلی و برون‌قرآنی ارائه کرده است و از سوی دیگر مقدمه‌ای درون‌قرآنی (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱۵، ص۱۸۲). آیت‌الله مکارم‌شیرازی نیز همین مسلک را دنبال کرده است و بر این نکته تأکید دارد که محتوای قرآن و اسرار گوناگونی که از علوم، تاریخ اقوام، قوانین و نیازهای بشری، و حتی اسراری از عالم طبیعت و اخبار آینده در آن وجود دارد، نشان‌دهنده این است که قرآن ساخته‌وپرداخته ذهن بشر نیست و به کمک دیگران تنظیم نشده، بلکه از علم کسی ناشی می‌شود که بر اسرار آسمان و زمین آگاه است و علم او بر همه‌چیز احاطه دارد. بااین‌حال، او در پایان آیه، راه بازگشت را به روی کج‌اندیشان مغرض و دروغ‌گویان باز می‌گذارد و می‌فرماید که درهای توبه و بازگشت به‌سوی خدا همیشه گشوده است؛ زیرا او غفور و رحیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۵، ص۲۳).

برخی از مفسران معاصر شیعه، علاوه بر بحث‌های تفسیری آیه، به شبهه مستشرقان که همان شبهه مورد بحث است نیز توجه کرده و آن را از زبان مستشرقانی که اعتقاد دارند قسمتی از قرآن در خارج از جزیرةالعرب تدوین شده است، بیان می‌کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج۱۱، ص۳۳۰).

در کتب غیرتفسیری شیعه نیز پاسخ‌دهی به این شبهه دیده می‌شود. استاد مطهری در ذیل عنوان وحی انبیا در کتاب نبوت به این شبهه در یک صفحه پاسخ داده است (مطهری، ۱۳۸۵، ج۴، ص۳۴۰). ایشان در جای دیگر به نحو کامل‌تری وارد این شبهه و پاسخ به آن طیّ سه صفحه در ذیل عنوان «اتّهام مخالفان» شده است (همان، ج۳، ص۲۴۷).

آیت‌الله معرفت به نحو مستوفا وارد شبهه مذکور در قالب «الباب الاول: هل للقرآن من مصادر» شده و ذیل عنوان «الوحی مصدر القرآن الوحید» در ضمن چهار صفحه به این شبهه پاسخ می‌گوید (معرفت، ۱۴۲۳، ص۷ـ۱۱). ایشان در همان کتاب در ذیل عنوان «القرآن یشهد بأنّه موحی» نیز به‌صورت خاص در یک صفحه شبهه را مطرح و پاسخ می‌دهد (همان، ص۱۴).

آیت‌الله سبحانی نیز از باب تاریخی، با اشاره به فضای تاریخی نزول آیه شش سوره فرقان، به این شبهه در دو صفحه پاسخ داده است (سبحانی، ۱۳۸۵، ص۳۲۱ـ۳۲۲). ایشان در کتاب دیگری به زبان عربی، به مناسبت، وارد بحث غیربشری و غیرتعلیمی بودن وحی به پیامبرﷺ شده است و پس از اشاره به آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره نحل و آیات ۴ تا ۶ سوره فرقان ـ در ضمن بحث از آیه ۵۲ سوره شوری ـ در طی شش صفحه به سه امر اشاره می‌کند که اولین امر، خود دارای سه مؤید است (همان، ۱۴۲۷، ج۱، ص۳۰۱ـ۳۰۶). ایشان در کتابی دیگر، به فلسفه امی بودن پیامبرﷺ می‌پردازد و از این راه، ضمناً به شبهه مورد بحث نیز پاسخ می‌گوید. وی با محوریت آیات ۲ سوره یونس، ۴ تا ۶ سوره فرقان، ۴۸ سوره عنکبوت، و ۱۶ سوره یونس، طی شش صفحه، بحث موردنظر را پیش می‌برد (همان، ۱۴۲۵، ج۱، ص۲۷۸ـ۲۸۳). ایشان در کتاب دیگری ذیل عنوان أُمّیّة حامل الرسالة، در سه صفحه به پاسخ‌گویی درباره شبهات مربوط به امی بودن پیامبرﷺ و وحیانی بودن قرآن و ازجمله معلم نداشتن پیامبرﷺ می‌پردازد (همان، ۱۴۲۸، ص۳۰۷ـ۳۰۹).

در این زمینه، دو کتاب قابل ذکر است که در مقابل نظریه عبدالکریم سروش، بنا بر تجربه نبوی بودن وحی و نیز به‌عنوان عام‌تر مبنی بر رد هرگونه دخل و تصرف خودخواسته یا ناخواسته پیامبر در قرآن، اعم از تجربه دینی یا تجدیدنظرطلبی یا تألیف، نوشته است (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳، ص۳ـ۸۴ و همان، ۱۳۹۲، ص۲۱ـ۲۹۲).

۸ـ۲ـ۴. وجوه اعجاز

مخالفت یا انکار اعجاز قرآن، از زمان نزول آن وجود داشته (ر.ک: اسراء: ۹۰ـ۹۳) و حتی دامن بعضی روشنفکران مسلمان را نیز گرفته است که یا منکر آن هستند یا در عمل سعی دارند تا خارق‌العاده بودن معجزه را با پیدا نمودن توجیه‌های عقلی و علمی تکلّف‌آمیز حل کنند و درنتیجه برخی از وجوه اعجاز قرآن مانند اعجاز علمی را کمرنگ یا رد کنند. یکی از این افراد، رشید رضا است (برای نمونه، ر.ک: رشید رضا، ۱۴۱۴، ج۳، ص۳۱۳). همچنین برخی از روشنفکران مسلمان عرب تلاش دارند تا برخی وجوه اعجاز در قرآن را نوعی همراهی با عرب عصر نزول از لحاظ ادبی تلقی کنند. مثلاً خلف‌الله، یاری خدا به‌وسیله فرشتگان در جنگ بدر را غیرواقعی و همراهی با ذهن مردم عصر نزول می‌داند (خلف‌الله، ۱۹۹۹، ص۶۷).

در میان دانشمندان مسلمان متقدم نیز وجوه اعجاز قرآن به یک یا دو وجه از اعجاز محدود می‌شدند که غالباً شامل وجه فصاحت و بلاغت، نظم و یا قول به صرفه بودند (مفید، ۱۴۱۴، ص۶۳ و علم‌الهدی، ۱۴۲۴، ص۳۳ـ۱۲۸). این در حالی است که متأخران قرآن‌پژوه شیعه، علاوه بر وجه فصاحت و بلاغت، به وجوه دیگری نیز اشاره داشته‌اند. علامه طباطبایی در بیان تفسیر آیه ۱۳ سوره هود، وجوه اعجاز قرآنی را عام معرفی می‌کند و تحدی را متعلق به همه خصوصیات و محسّنات و فضایل قرآن، مانند معارف حقیقی الهی، استدلال‌های روشن، مواعظ نیکو، مکارم اخلاق، دستورات و شرایع الهی، اخبار غیبی، و فصاحت و بلاغت می‌داند. وی به علمای گذشته که تنها به مبحث فصاحت و بلاغت قرآن اکتفا کرده‌اند، انتقاد دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱۰، ص۱۶۲). وی در تفسیر آیه ۲۳ سوره بقره، وجوه اعجاز را تحت عنوان «الإعجاز و ماهیته» می‌آورد که وجوه جدیدی همچون وجه اعجاز علمی قرآن، نزول قرآن بر شخص درس‌نخوانده و تعلیم‌ندیده؛ عدم وجود اختلاف در آن باوجود وسعت در معارف و مطالب و نیز نزول در شرایط متفاوت از آن استخراج می‌گردد (همان، ج۱، ص۵۸ـ۷۳). البته وی وجه صرفه را نیز مطرح و سپس رد می‌کند (همان، ص۷۰). دیگر دانشمندان معاصر شیعه، به رد نظریه صرفه پرداخته و در این میان به ناتوانی بشر در رسیدن به فصاحت و بلاغت قرآن رسیده‌اند (به‌عنوان‌نمونه، ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص۱۶۵ـ۱۶۶ و سبحانی، ۱۴۲۱، ج۳، ص۳۴۴ـ۳۵۰).

امام خمینی﵀ نیز وجه اعجاز قرآن را در بعد خاصی محدود نمی‌کند و در تفسیر سورهٔ حمد، حسن ترکیب و لطف بیان، فصاحت و بلاغت، اخبار از غیب، و إحکام أحکام را مستقلاً اعجازی خارق‌العادة معرفی می‌کند که مهم‌ترین وجه اعجاز را لطایف و حقایق آن می‌داند (خمینی، ۱۳۷۵، ص۴۳ـ۴۴). همچنین آیت‌الله مکارم شیرازی، وجوه اعجاز قرآن را عام دانسته است و نه تنها در فصاحت و بلاغت، بلکه از جهت محتوا و علومی که در آن زمان ازنظر انسان‌ها پنهان بود، قوانینی که ضامن سعادت بشریت هستند، و بیاناتی عاری از تناقض و پراکندگی، و تواریخی خالی از خرافات و گزافه‌گویی می‌شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۹، ص۴۲).

آیت‌الله معرفت به‌عنوان پیشرو در مباحث علوم قرآنی شیعه، در کتاب خود در جلد چهارم، به موضوعاتی چون مفهوم اعجاز قرآن، تحدی، سرّ اعجاز، دیدگاه‌ها، و شهادت کفار و مخالفان، به معجزه بودن قرآن پرداخته و در جلدهای پنجم و ششم، به اعجاز بیانی، علمی و تشریعی می‌پردازد. او به طور غیرصریح و گاهی صریح، به پاسخ‌گویی به شبهات مرتبط با اعجاز قرآن پرداخته است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵، ج۴ـ۶). همچنین آیت‌الله جوادی آملی برخی از شبهات اعجاز را در کتاب تفسیر موضوعی با عنوان قرآن در قرآن مطرح می‌کند و پاسخ می‌دهد. به‌عنوان‌نمونه، مشرکان می‌گفتند: اگر قرآن، کلامی بشری باشد، پس باید برای دیگر افراد بشر مانند رسول خداﷺ چنین کتابی به آنها نیز وحی شود تا صحّت وحی و حقانیت دین را بتوان پذیرفت (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص۱۶۱). شبهه مشرکان را قرآن نیز بیان می‌دارد (انعام: ۱۲۴). آیت‌الله جوادی آملی این شبهه را در دو صفحه پاسخ می‌دهد (جوادی آملی، ص۱۶۲ـ۱۶۳). نمونه دیگر این است که اگر فصاحت و بلاغت، از ذوق و استعداد بشری جریان یافته و صنع اوست، چرا بشر نتواند کلامی فصیح و بلیغ مانند قرآن بیاورد؟ (همان، ص۱۶۳).

۵. نتیجه‌گیری

باتوجه‌به فعالیت‌های علمی معاصرانِ قرآن‌پژوهِ شیعه در مواجهه با نظریه‌های رقیبی همچون دیدگاه اخباریان، عامه، مستشرقان، روشنفکران معاصر دگراندیش و همچنین مخالفان دین‌ستیز رصد نمود. بررسی‌ها نشان می‌دهد این کوشش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با کمیت و کیفیت بالایی نسبت به گذشته روبه‌رو بوده است. در این میان، نهادها و مؤسساتی چون

جامعة المصطفی العالمیه، جامعة الزهرا علیها السلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله و... نقش قابل‌توجهی در مواجهه دفاع‌گونه و تبیینی نسبت به دیدگاه‌های رقیب در این حوزه داشته‌اند.

در زمینه علوم قرآن، از مهم‌ترین شخصیت‌های معاصر شیعه که به شبهات مستشرقان و یا زندیقان پاسخ داده، آیت‌الله محمد هادی معرفت و طیف شاگردان ایشان است. همچنین ازجمله متکلمان قرآن‌پژوه که بسته به تخصص کلامی خود در زمینه شبهات یا نظریات قرآنی کلام جدید مطرح از سوی افرادی چون عبدالکریم سروش قلم زده‌اند، آیت‌الله جعفر سبحانی و هم‌نوایان ایشان چون علی ربانی گلپایگانی قابل ذکر است. حتی در زمینه دفاع در قلمرو شبهات قرآنی، مفسران شاخصی چون علامه طباطبایی به دیدگاه‌های رقیب التفات داشته‌اند. مراجع تقلید شیعه معاصر، مانند آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و آیت‌الله جعفر سبحانی نیز به مناسبت فعالیت علمی خود، چه در زمینه تفسیر ترتیبی و چه موضوعی و چه در مباحث علوم قرآنی و یا مباحث کلامی، توجه و حتی نقدهای قابل‌ملاحظه‌ای نسبت به دیدگاه‌های رقیب داشته‌اند. درنهایت، فعالیت‌های مدافعانه قرآن‌پژوهانِ معاصر شیعه چنان گستردگی کمّی دارد که احصای همه موارد یا حتی بخش اعظم آن در این نوشتار کوتاه امکان‌پذیر نبود. اما می‌توان دفاع آنان را به‌صورت ضمنی یا صریح، اجمالی یا تفصیلی، با ذکر شبهه یا به‌صورت ابتدایی و دفع دخل مقدّر، در حیطه علوم قرآنی ساختارسازی نمود.

برآیند این پژوهش نشان داد که دفاع از قرآن در میان قرآن‌پژوهان معاصر شیعه، نه یک تلاش پراکنده، بلکه یک جریان سازمان‌یافته و پیوسته در حوزه‌های مختلف علوم قرآنی است. هرچند پرداختن تفصیلی به هر ساحت، مجال پژوهش‌های جداگانه می‌طلبد، اما همین بررسی کلان نشان داد که این جریان دفاعی، نه یک فرضیه ذهنی، بلکه واقعیتی عینی، ساختارمند و قابل اثبات است و می‌تواند چهارچوبی روشن برای پژوهش‌های آتی باشد.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. اسدی‌نسب، محمدعلی (۱۳۸۶ش)، قرآن و سکولاریسم، قم: معارف.
۲. ـــــــــ (۱۳۸۸ش)، «مبانی برخورد قرآن با فرهنگ زمانه»، قبسات، ش۴۸، ص۱۴۷_۱۶۸.
۳. اسکندرلو، محمدجواد (۱۳۹۰ش)، اعجاز قرآن و مصونیّت از تحریف، قم: مرکز نشر المصطفی ﷺ.
۴. آشتیانی، محسن و امامی، محمدجعفر (۱۳۸۸ش)، خاتمیت از دیدگاه قرآن و سنت و شبهات مربوط به آن، قم: زهیر.
۵. اویسی، کامران و مؤدب، سیدرضا (۱۳۹۱ش)، «بررسی فرضیه ریچارد بل مبنی بر تجدید نظر پیامبر ﷺ در قرآن»، مجموعه مقالات همایش قرآن و مستشرقان، قم: جامعة المصطفی العالمیة، ص۲۷۹_ ۳۰۳.
۶. ایازی، محمدعلی (۱۳۸۰ش)، جامعیت قرآن؛ پژوهشی استنادی و تحلیلی از مسئله جامعیت و قلمرو آن، رشت: کتاب مبین.
۷. ـــــــــ (۱۳۸۰ش)، قرآن و فرهنگ زمانه، رشت: کتاب مبین.
۸. بهمنی، سعید (۱۳۹۴ش)، منطق پاسخ‌دهی قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۸۲ش)، افسانه تحریف قرآن، ترجمه: محمود شریفی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۰. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۳ش)، شریعت در آیینه وحی، تهران: رجاء.
۱۱. ـــــــــ (۱۳۸۴ش)، انتظار بشر از دین، قم: اسراء.
۱۲. ـــــــــ (۱۳۹۳ش)، نزاهت قرآن از تحریف، قم: اسراء.
۱۳. ـــــــــ (۱۳۹۷ش)، قرآن در قرآن، قم: اسراء.
۱۴. حدادیان، عبدالرضا و مؤدب، سیدرضا (۱۳۹۱ش)، «بررسی دلالی روایات تحریف‌نما در تفسیر عیاشی»، حدیث‌پژوهی، ش۸، ص۱۴۱_۱۶۶.
۱۵. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۲ش)، قرآن هرگز تحریف نشده، ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی، قم: الف لام میم.
۱۶. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۵ش)، تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۳ش)، امثال و حکم، تهران: امیر کبیر.
۱۸. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۳ش)، نقد نظریه بسط تجربه نبوی، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۱۹. ـــــــــ (۱۳۹۲ش)، وحی نبوی؛ بررسی نقش پیامبر در پدیده وحی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲ش)، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۱. ـــــــــ (۱۳۸۷ش)، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
۲۲. ـــــــــ (۱۳۸۷ش)، منطق تفسیر قرآن، قم: جامعه المصطفی.
۲۳. ـــــــــ و پروان، صدیقه (۱۳۹۶ش)، «دفاع دانشمندان شیعه از قرآن در برابر شبهه اقتباس»، قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ش۳، ص۶۵_۸۴.

۲۴. ژیلسون، اتین (۱۳۷۸ش)، وحی و عقل در قرون وسطی، ترجمه: شهرام پازوکی، تهران: گروس.
۲۵. سبحانی، جعفر (۱۳۸۵ش)، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب.
۲۶. سروش، عبدالکریم (۱۳۹۵ق)، مجموعه مقالات سروش در سایت خود با عنوان «زهی کرشمه خوابی که به ز بیداریست؛ رؤیای رسولانه»، www.drsoroush.com.
۲۷. ـــــــــ (۱۳۸۵ش)، بسط تجربه نبوی، تهران: صراط.
۲۸. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۷۹ش)، علوم قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. سها (۱۳۹۳ش)، نقد قرآن، ویرایش دوم، بی‌جا: بی‌نا.
۳۰. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۶ش)، آشنایی با علوم قرآنی، قم: دانشکده مجازی علوم حدیث.
۳۱. علیانسب، ضیاءالدین و امیری، لیلا (۱۳۹۳ش)، «دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی»، قرآن در آیینه پژوهش، ش۲، ص۱۰۵ـ۱۳۱.
۳۲. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۱ش)، وحی و افعال گفتاری، قم: زلال کوثر.
۳۳. کریم‌پور قراملکی، علی (۱۳۸۲ش)، «قلمرو قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ش۳۴ـ۳۵، ص۲۷۴ـ۲۹۵.
۳۴. کریمی، مصطفی (۱۳۸۷ش)، وحی‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۵. ـــــــــ (۱۳۹۰ش)، جامعیت قرآن کریم: پژوهشی در قلمرو قرآن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰ش)، قرآن‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
۳۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱ش)، علوم قرآنی، قم: التمهید.
۳۹. ـــــــــ (۱۳۸۷ش)، تفسیر و مفسران، قم: تمهید.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۱. مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲ش)، آفاق تفسیر، تهران: هستی‌نما.
۴۲. مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۶ش)، مبانی تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم.
۴۳. نقی‌پورفر، ولی‌الله (۱۳۸۱ش)، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، تهران: اسوه.
۴۴. همامی، عباس و شایسته‌فرد، رحمت (۱۳۹۵ش)، «نقدی گذرا بر اندیشه یوسف دره حداد مبنی بر نصرانیت قرآن کریم»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش۱۸، ص۲۵ـ۴۰.
۴۵. یزدی، علی‌محمد (۱۳۹۶ش)، قلمرو موضوعات قرآنی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ب) عربی

۱. ابن‌سیده، علی‌بن‌اسماعیل (۱۴۲۱ق)، المحکم و المحیط الأعظم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲. ابن‌شهرآشوب، محمد (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبی طالب، قم: علامه.

۳. ابوزید، نصرحامد (۱۹۹۴م)، نقد الخطاب الدینی، قاهره: سینا للنشر.
۴. اصفهانی، أبونعیم أحمد (۱۳۹۴ق)، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، قاهره: السعادة.
۵. آل‌قیس، قیس (بی‌تا)، الإیرانیون و الأدب العربی؛ رجال علوم القرآن، قم: مؤسسة التحقیقات و البحوث الثقافیه.
۶. جعفریان، رسول (۱۳۷۲ش)، اکذوبه تحریف القرآن بین الشیعه و السنه، تهران: ممثله الامام القائد السید الخامنئی فی الحج قسم التحقیق و التعلیم.
۷. حسینی میلانی، سید علی (۱۴۲۶ق)، التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن، قم: الحقائق.
۸. خلف‌الله، محمد (۱۹۹۹م)، الفن القصصی فی القرآن الکریم، لندن: سینا للنشر.
۹. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة إحیاء آثار الامام الخوئی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۱۱. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، المنار، بیروت: دار المعرفة.
۱۲. رضی، محمدبن‌حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغة، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۴۲۱ق)، الإلهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام.
۱۴. ـــــــــ (۱۴۲۱ق)، مفاهیم القرآن، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام.
۱۵. ـــــــــ (۱۴۲۵ق)، الفکر الخالد فی بیان العقائد، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام.
۱۶. ـــــــــ (۱۴۲۷ق)، سید المرسلین، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. ـــــــــ (۱۴۲۸ق)، محاضرات فی الإلهیات، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام.
۱۸. شاطبی، ابراهیم (۱۳۴۱ق)، الموافقات فی اصول الفقه، بیروت: دار الفکر.
۱۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۲ق)، الاعتقادات فی دین الامامیه، قم: محقق.
۲۲. صفار، محمدبن‌حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، قم: مکتبة آیة‌الله المرعشی النجفی.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طوسی، محمدبن‌حسن (۱۴۱۸ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۲۵. عروسی حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۲۶. عسکری، سید مرتضی (۱۴۱۶ق)، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: المجمع الاعلمی الاسلامی.
۲۷. علم‌الهدی، علی‌بن‌حسین (۱۴۲۴ق)، الموضح عن جهة إعجاز القرآن (الصرفة)، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة.
۲۸. غزالی، ابوحامد (۱۴۰۲ق)، احیاء العلوم، بیروت: دار المعرفة.

۲۹. فانی اصفهانی، علی (۱۴۱۱ق)، آراء حول القرآن، بیروت: دار الهادی.
۳۰. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۳۱. فیومی، احمدبن‌محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۳۲. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۰ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۳۳. گلدزیهر، ایگناس (۱۹۲۱م)، مذاهب التفسیر الاسلامی، تحقیق: عبدالحلیم نجار، قاهره: مکتبة الخانجی.
۳۴. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۰ق)، صیانةُ القرآن من التحریف، قم: دار القرآن الکریم.
۳۵. ـــــــــ (۱۴۱۵ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۳۶. ـــــــــ (۱۴۱۸ق)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۷. ـــــــــ (۱۴۲۳ق)، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم: التمهید.
۳۸. مفید، محمدبن‌محمد (۱۴۱۴ق)، أوائل المقالات، بیروت: دار المفید.
۳۹. ملکی میانجی، محمدباقر (۱۴۰۰ق)، بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۴۰. میرمحمدی زرندی، ابوالفضل (۱۴۲۰ق)، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۴۱. نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۲ش)، سلامةُ القرآن من التحریف، تهران: مشعر.
۴۲. نجاشی، احمدبن‌علی (۱۳۶۵ ش)، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.